



Critical review of Yousefi Ashkevri's view on the critique of scientific religion in the article "Scientific religion and religious science"

Seyed Zia sajjadifar^{1*}

1. Assistant Professor of Hakim Sabzevari University.

DOI: 10.22034/nrr.2024.62909.1358

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_18521.html

Corresponding Author:
Seyed Zia sajjadifar

Email:
sz.sajadifar@hsu.ac.ir

Received: 2024/08/11
Detected: 2024/09/09
Accepted: 2024/09/18
Available: 2024/09/19

Open Access



Keywords:
Criticism, Yousefi Ashkevri, the possibility of scientific religion, The provability of scientific religion, the realization of scientific religion

ABSTRACT

Scientific Religion means the scientific interpretation of religious propositions or their scientific explanation and proof. It is based on the relationship between science and religion. Due to the dominance of experimental sciences in people's lives, this issue has occupied the minds of some contemporary religious scholars. In an article entitled Scientific Religion and Religious Science, Hasan Yousefi Ashkevri criticized two concepts of religious science and scientific religion. Regarding religious science, its supporters have responded to the opponents of religious science with various types of statements in the forms of various articles and books; However, less has been stated about the explanation and analysis of scientific religion. Yousefi Ashkevri has considered scientific religion to be criticizable on three levels: the concept of scientific religion, the provability of religious beliefs, and the objective realization of scientific religion; as a result, he has rejected this concept. In this research, using the critical-analytical approach, the author's view of scientific religion has been examined, and in addition to the inability of his view to reject scientific religion, the possibility and realization of valid scientific religion have been confirmed.



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



بررسی انتقادی دیدگاه یوسفی اشکوری پیرامون تقدین علمی در مقاله

«دین علمی و علم دینی»

سید ضیاء سجادی فر^{۱*}

۱. استادیار دانشگاه حکیم سبزواری.

DOI: 10.22034/nrr.2024.62909.1358

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_18521.html

چکیده

«دین علمی» به معنای تفسیر علمی گزاره‌های دینی یا تبیین و اثبات علمی آنها از مباحثی است که مبتنی بر مساله رابطه علم و دین، ذهن برخی از دین‌پژوهان معاصر را به دلیل سلطه و رسوخ علوم تجربی در زندگی آدمیان به خود مشغول ساخته است؛ حسن یوسفی اشکوری در مقاله‌ای با عنوان «دین علمی و علم دینی» به نقد دو مقوله علم دینی و دین علمی پرداخته است؛ درباره علم دینی از سوی موافقان آن با انواعی از تقریرها در قالب مقالات و کتابهای گوناگون به مخالفان علم دینی پاسخ داده شده است؛ اما در تبیین و تحلیل مقوله دین علمی کمتر سخن به میان آمده است؛ یوسفی اشکوری، دین علمی را در سه سطح تصور دین علمی، اثبات‌پذیری باورهای دینی و همچنین تحقق عینی دین علمی، قابل نقد دانسته و در نتیجه بر نفی آن حکم رانده است؛ در این مجال با رویکرد تحلیلی-انتقادی، دیدگاه نویسنده مقاله نسبت به دین علمی بررسی شده که افزون بر عدم توانایی دیدگاه وی در نفی دین علمی، از امکان و تحقق دین علمی معتبر نیز دفاع شده است.

نویسنده مسئول:

سید ضیاء سجادی فر

ایمیل:

sz.sajadifar@hsu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۹



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

نقد، یوسفی اشکوری، امکان دین علمی، اثبات دین علمی، تحقق دین علمی

رابطه دین و علم یکی از موضوعات مهم و پردامنه است که در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از دین پژوهان و فیلسوفان دین قرار گرفته است، گرچه ریشه تاریخی این موضوع را می‌توان پیش از رنسانس دانست؛ اما پیشرفت شتابدار علم و تولید محصولات علمی و تکنولوژیک از یک سو، و احساس تعلق و نیاز دیرینه بشر به دین از سوی دیگر سبب شد تا گفتمان رابطه علم و دین در قالب رویکردهای گوناگونی همچون تباین، تعارض و مکملیت پدید آید و مبتنی بر رویکردهای پیش‌گفته مباحثی چون علم دینی و دین علمی طرح گردد.

حسن یوسفی اشکوری^۱ متأثر از این همین گفتمان در مقاله‌ای تحت عنوان «دین علمی و علم دینی» می‌کوشد به تحلیل و نقد دو مقوله علم دینی و دین علمی بپردازد؛ وی در این مقاله در پی این نتیجه است که اساساً هر دو مقوله دین علمی و علم دینی غیر قابل تصور و تحقق است و نمی‌توان هم به لحاظ نظری و هم در مقام تحقق از این دو مقوله دفاع نمود؛ دیدگاه اشکوری در بین جریان‌های مخالف علم دینی^۲ به سهولت قابل رهگیری است که بررسی و نقد آن مجال دیگری می‌طلبد؛ اما به نظر میرسد مقوله دین علمی نیازمند تبیین، بررسی و مقایسه با دیگر مفاهیم مشابه مانند علم دینی است؛ نویسنده در سه سطح تصور، اثبات‌پذیری و تحقق عینی دین علمی به نقد آن پرداخته است؛ پژوهش‌های انجام شده درباره دین علمی بسیار محدود و انگشت شمار بوده و به صورت غیرمستقل و در قالب بخشی از یک اثر انجام گرفته است، مانند مقاله «هویت علم دینی» نگاشته خسرو باقری، چاپ شده در نشریه روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه) دوره اول، شماره سوم، سال ۱۳۷۴ که درکنار طرح بحث علم دینی و آرایه نظریه پیرامون آن، اشاره‌وار نگاهی منتقدانه به دین علمی دارد؛ بدین معنا که پرداختن به دین علمی را تلاشی بی‌ثمر دانسته و از ترکیب دین علمی به «دایره مربع» یاد می‌کند که حاکی از ناسازگاری درونی این ترکیب است؛ همچنین مقاله «نسبت علم و دین در ایران پس‌انقلاب؛ داوری جامعه‌شناختی روایتها» نگاشته رضا نظریان و یونس نوربخش در نشریه دین و دنیای معاصر، دوره نهم، شماره یک، سال ۱۴۰۱ که با نگاه توصیفی - تحلیلی به تبیین جریان دین علمی درکنار دیگر جریانهای زاینده نسبت بین علم و دین پرداخته است؛

۱- وی به لحاظ فکری متأثر از جریان نو اندیشی دینی یا دیدگاه فکری سکولار است که افرادی مانند سروش، ملکیان، مجتهد شبستری آن را نمایندگی می‌کنند؛ گرچه در ابتدای انقلاب به لحاظ فکری از پیروان فکری خط امام و انقلاب اسلامی بود اما پس از چندی با یک چرخش فکری قابل توجه به صف مخالفان و منتقدان جریان انقلاب اسلامی و ولایت فقیه پیوست؛ جریان حضور وی درکنفرانس برلین بر علیه جمهوری اسلامی در سال ۷۹ معروف و مشهور است؛ وی در نقد و رد نظری جریان انقلاب اسلامی از مبانی فکری بهره می‌برد که بخشی از آن را در مقاله خود با عنوان «دین علمی و علم دینی» آورده است.

۲- مقوله علم دینی در دهه اخیر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران بوده است، کتابها و مقالات بسیار در قالب موافقت و مخالفت با آن با تقریرهای گوناگون به نگارش درآمده است و این گونه‌گونی دیدگاهها برخی از نگارندگان را برآن داشته است که به جمع‌آوری دیدگاههای موافق و مخالف روی آورده و سپس به بررسی و نقد آنها بپردازند؛ کتابهایی چون علم دینی؛ دیدگاهها و ملاحظات جمعی از نویسندگان؛ علم دینی، دیدگاهها و تحلیلیها از مجمع عالی حکمت؛ ارزیابی ادله موافقان و مخالفان علم دینی مهدی قربانزاده در همین راستا به نگارش درآمده است.

در بخشی از این مقاله به تبیین دین علمی با قرائت مجتهد شبستری مبنی بر بازسازی دین در پارادایم علم هرمنوتیک اشاره شده است، همچنین مقاله مورد بررسی و نقد با عنوان «دین علمی و علم دینی»، نوشته حسن یوسفی اشکوری در نشریه آزادی اندیشه، شماره یک، سال ۱۳۹۴ که با رویکرد تحلیلی - انتقادی درگستره وسیعتر و با تفصیل بیشتری نسبت به دو مقاله پیش‌گفته به دین علمی پرداخته است؛ از همین روی در این نوشتار برای نخستین بار در قالب رویکرد تحلیلی - انتقادی نسبت به دیدگاه یوسفی اشکوری، به صورت مستقل و تفصیلی به دین علمی پرداخته شده است.

۲. مفاهیم

۱،۲ علم

واژه «علم»^۱ به معنای عام آگاهی و دانستن است؛ اما علم دارای اصطلاحات گوناگونی است که عبارتند از:

۱. مجموعه‌ای از گزاره‌های منسجمی که دارای ساختار یا روش یا موضوع یا هدف معینی است که بر مبنای گستره و شمول می‌توان تعریفهای مختلفی به دست داد.
۲. مجموعه‌ای از گزاره‌های شخصی منسجم مانند دانش تاریخ؛ مجموعه گزاره‌های کلی منسجم قراردادی مانند ادبیات و حقیقی مانند فلسفه و جامعه‌شناسی.
۳. مجموعه گزاره‌های کلی منسجم حقیقی که فقط از راه تجربه بدست می‌آید و فقط شامل علوم طبیعی و علوم انسانی می‌شود (اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲/ ۱۸۱) که در مبحث دین علمی تعریف برگزیده است؛ با وجود اینکه این تعریف به دلیل غلبه نگاه پوزیتیویستی در جامعه علمی رایج است (چالمرز، ۱۳۹۴: ۱۳)

یوسفی اشکوری در بخشهای مختلف مقاله به تعریف واژگانی علم و برخی از اصطلاحات آن می‌پردازد؛ اما مقصود نهایی وی از علم^۲ معنای خاص و متداول آن یعنی مجموعه گزاره‌هایی که با روش تجربی و حسی بدست آمده است.

«در آیات پرشمار قرآن واژه‌ی «علم» و مشتقات آن آمده است و عموماً از علم به صورت مثبت یاد شده و مؤمنان به علم و تعلیم و تعلّم سفارش شده اند ... اما در تمام این آیات علم به معنای عام و متعارف در روزگار قدیم، یعنی دانایی است نه علم به معنای خاص و مصطلح آن، یعنی دانش و فهم و شناخت پدیده‌های طبیعی و انسانی و اجتماعی از طرق معین و با ابزارهای مشخص و ویژه که عمدتاً مستند به مشاهده و تجربه است و در نهایت هدف آن انکشاف قوانین حاکم بر روابط بین پدیده‌ها» (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۳۰۴)

1 - Knowledge
2 - Science

گرچه دین با رویکردهای مختلف تعریف شده است (پالس، ۱۳۸۵: ۳۹، ۹۷، ۱۴۶، ۱۹۵، ۲۳۲)؛ اما به نظر می‌رسد دین حقیقی دارای منشاء الهی با سه مولفه محوری باور، اخلاق و احکام رفتاری در ابعاد فردی و اجتماعی با هدف سعادت اخروی است (طباطبایی، بی تا: ۱۶/ ۱۹۳) که از طریق متون دینی به ما رسیده است (خسرو پناه، ۱۳۹۰: ۶۱).

نویسنده با رویکرد برون دینی از دو زاویه جامعه‌شناسانه و تاریخی به تعریف دین پرداخته است.

۱،۲،۲ تعریف جامعه‌شناختی دین

«دین نیز، مانند دیگر مفاهیم رایج و مصطلح، چندان به صورت جامع و مانع قابل تعریف و توصیف نیست. اگر به مبدأ و نقطه‌ی آغازین پیدایی ادیان نظر کنیم، به نظر می‌رسد که تعریف «دعوت اخلاقی به امر قدسی» که تعریفی است بیرونی و جامعه‌شناسانه از پدیده و مفهوم دین، تعریف معقولی است و چنین مینماید که تعاریف دیگر تا این حد عمومیت و لذا مقبولیت نداشته باشند». (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۲۸۵)

در این تعریف از دین که مورد پذیرش نویسنده است؛ تقلیل دین به اخلاق از یک سو و تفکیک امر قدسی از امر عرفی و دنیوی با توجه به رویکرد جامعه‌شناختی به دین مشاهده می‌شود. (خسرو پناه، ۱۳۹۰: صص ۵۴-۵۵؛ خاکی قراملکی، ۱۳۹۷: ۳۹؛ میرباقری، ۱۳۹۶: ۸۰؛ پالس، ۱۳۸۵: ۲۴۳)

۲،۲،۲ تعریف تاریخی دین

«اما اگر دین را به عنوان یک پدیده تاریخی، یعنی آنگونه که در عینیت تاریخ و تحولات تمدنی و فرهنگی، متعین و آشکار شده است، مورد تحقیق قرار دهیم، میتوانیم بگوییم که دین عبارت است از: دعوتی به امر قدسی (به تعبیر ادیان سامی خدا = یهوه = الله) که از طریق ایمان به خدا و غیب (غیب در برابر عالم شهود) و تقید به افعال اخلاقی و نیز رعایت انواعی از آداب و شعائر و احکام شریعت ممکن می‌شود و هدف غایی آن نیز رستگاری آدمی در دو جهان است». (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۲۸۶)

نویسنده در تعریف تاریخی دین با اشاره به سه لایه باور، اخلاق و احکام و همچنین هدف و غایت دین، تعریفی وسیعتر از تعریف جامعه‌شناسانه ارائه می‌دهد؛ در هر صورت دعوت به امر قدسی در هر دو تعریف به عنوان عنصر مشترک مشاهده می‌شود و با توجه به نگاه جامعه‌شناختی و حتی تاریخی از امر قدسی که در مقابل امر عرفی و دنیوی و اجتماعی قرار دارد (میرچاده، ۱۳۷۵: ج ۱/ ۳۱۲ و ۳۴۵) می‌توان دیدگاه نویسنده را نسبت به دین، حداقلی دانست؛ بدین معنا که دین دارای گستره سه‌گانه باور و اخلاق و رفتار در بعد فردی است؛ افزون بر اینکه مفهوم امر قدسی لزوماً در این تعریف به معنای خدا نیست (میرچاده، ۱۳۷۵: ج ۱/ ۱۲۳).

«دین علمی» اصطلاحی است که نویسنده در عنوان و بدنه مقاله به مناسبت‌های گونه‌گون به کار برده و به دنبال تبیین و بررسی و نقد آن است؛ از نگاه وی دین علمی دینی است که بر اساس نگاه تجربی و حسی قابل تبیین و توجیه است و به عبارتی دیگر دین علمی یعنی موجه‌سازی گزاره‌های دینی یا تفسیر علمی گزاره‌هایی که در متون دینی وجود دارد.

«دین علمی (موجه‌سازی گزاره‌های اسلامی با داده‌های علوم تجربی و انسانی)؛ دین علمی: شاید بتوان رد پای تفسیر علمی گزاره‌های دینی و به ویژه متن مقدس مسلمانان یعنی قرآن را به سده‌های نخستین و میانه‌ی اسلامی نیز یافت، اما بی‌گمان، این نوع نگاه به دین و به ویژه به قرآن، به روزگار ما و بیشتر به یک قرن اخیر بازمیگردد؛ به طور مشخص این نوع نگاه تفسیری به دین، محصول و برآمد مواجهه و چالش مسلمانان و متفکران اسلامی معاصر با جهان غربی و افکار و آموزه‌های علم محور مدرن است» (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴، ۲۸۰)

وی بستر تاریخی پدیدار شدن دین علمی در قالب تفسیر علمی متون دینی به ویژه قرآن کریم را مربوط به سده اول هجری می‌داند؛ اما در ادامه بر این باور است که نوعی نگاه نسبت به متون دینی در قرن اخیر به وجود آمد که محصول مواجهه متفکران و دانشمندان اسلامی با تفکر علم‌محور غربی است؛ وی به دو نوع مواجهه از سوی متفکران و اندیشمندان مسلمان با علوم غربی اشاره می‌کند؛ برخی از اندیشمندان و عالمان برای دفاع و صیانت از ساحت دین وجود چنین عقلانیتی را از اساس منکر شده و با آن به مبارزه برخاستند؛ اما گروهی از اندیشمندان و روشنفکران به جای ستیز با این عقلانیت، تلاش کردند نوعی تعامل و سازگاری بین علوم غربی و آموزه‌های دینی برقرار کنند تا هم سنگر دفاع از دین محافظت شود و هم دستاوردهای انکارناپذیر علم جدید را به رسمیت بشناسند؛ در چنین فضایی دین علمی شکل می‌گیرد، وی در جامعه اهل سنت از سرسید احمدخان هندی و محمد عبده و در بین شیعه به ویژه ایران از آیه‌الله طالقانی و مهندس بازرگان به عنوان کسانی یاد می‌کند که در قالب تفسیر علمی متون دینی و اسلامی موافق دین علمی‌اند. (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴، ۲۸۱)

با توجه به اینکه دین علمی محصول نوعی نسبت میان علم و دین است، این نسبت می‌تواند به چند صورت دیگر مورد توجه واقع شود؛ بدین معنا که از نسبت بین علم و دین علاوه بر دین علمی، مفاهیمی مانند علم دینی و همچنین بخشی از مطالعات دین‌پژوهی مانند روانشناسی دین، جامعه‌شناسی دین، دین‌پژوهی تطبیقی، تاریخ ادیان و باستان‌شناسی دین قابل تولید است؛ بر همین اساس شفافیت و تمایز اصطلاح دین علمی از اصطلاح مطالعات علمی دین و هم چنین علم دینی لازم و ضروری است.

با توجه به اینکه نویسنده اصطلاح «دین علمی» را برای تفسیر علمی گزاره‌های دینی به کار برده است؛ شاید گمان شود این اصطلاح منحصر به تفسیر علمی از گزاره‌های دینی نیست و می‌توان شامل مطالعات علمی دین مانند جامعه‌شناسی دین، روانشناسی دین، دین‌شناسی تطبیقی، پدیدارشناسی دین و باستان‌شناسی دین و تاریخ ادیان نیز دانست؛ با این تحلیل که رشته‌های یاد شده با روش علمی به مطالعه دین می‌پردازند و برآیند این مطالعات، نوعی دین علمی خواهد بود؛ به نظر می‌رسد این گمان درست نیست چون مطالعات علمی دین نوعی دین‌شناسی علمی است (اخوان، ۱۳۹۹: ۱۸۶) نه دین علمی؛ دین علمی با توجه دیدگاه نویسنده مقاله فهم و تبیین علمی گزاره‌های دینی است که مبتنی بر پذیرش دین با هدف اثبات صدق و حقانیت و دفاع از گزاره‌ها و مدعیات دینی صورت می‌گیرد (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۲۸۰)؛ اما مطالعات علمی دین بدون در نظر گرفتن صدق و کذب و اثبات حقانیت، نگاه بیرونی و کارکردگرایانه به دین دارد (پترسون، ۱۳۸۹: ۲۳)، در جامعه‌شناسی و روانشناسی دین به جای خود دین، رفتار دینداران به صورت فردی یا اجتماعی برای اهداف روانشناختی یا جامعه‌شناختی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. (خسروپناه، ۱۳۹۰: ۶۱) به همین دلیل مفهوم حقانیت در دین‌شناسی علمی معنای روشنی ندارد؛ بنابراین می‌توان رویکرد کلامی را بر مقوله دین علمی و نه دین‌شناسی علمی حاکم دانست. خسروپناه، ۱۳۸۱: ۱۳؛ خسروپناه، ۱۳۹۰: ۳۸؛ اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۵؛ بهشتی، ۱۳۸۲: ۲۵)

۲,۳,۲ دین علمی و علم دینی^۲

علم دینی از دیگر مفاهیمی است که در بستر تاریخی مواجهه مسلمانان با غرب زاده شد و از این جهت با دین علمی همزاد است؛ اما به لحاظ مفهومی با دین علمی کاملاً متفاوت است. رویکردهای گوناگونی به عنوان مخالف و موافق علم دینی وجود دارد؛ برخی اساساً مخالف امکان و تحقق علم دینی‌اند و برخی هم موافق آن بوده و برخی بین علوم انسانی و علوم طبیعی تفصیل و برخی دیگر اساساً بین علم و تکنولوژی در دینی شدن آن تفکیک قایل شدند که تقریرهای مختلفی از مخالفان و موافقان دیده می‌شود (حسنی، ۱۳۹۷: ۳)

یوسفی اشکوری که از مخالفان جدی امکان و تحقق علم دینی است، وی به ادعای غالب باورمندان به علم دینی اشاره می‌کند که آن را محصول تاثیر مبانی متافیزیکی دین بر بدنه علم و نظریه‌پردازی علمی می‌دانند؛ وی بر این باور است که تاثیر این مبانی بر علم و نظریات علمی سبب دینی شدن علم نمی‌گردد و اگر این علم، دینی باشد اساساً علم نخواهد بود. (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۲۸۸)

با وجود اشتراک دین علمی و علم دینی در هدف غایی یعنی دفاع از دین و تقویت آموزه‌های دینی؛ در دین علمی، دین از زاویه نگاه علم مورد مطالعه و تفسیر قرار می‌گیرد؛ اما در علم دینی علم از زاویه نگاه دین به بررسی پدیده‌ها می‌پردازد؛ به عبارتی دیگر دین، به عنوان موضوع علم در دین علمی و مبنای علم در علم دینی مورد توجه است.

۳. یوسفی اشکوری و نقد دین علمی

یوسفی اشکوری در بخشی از مقاله با عنوان «آیا دین، علمی شدنی است؟» با توصیفی کوتاه از جریان عقلی سازی دین یاد میکند که براساس نگاه ارسطویی سعی در موجه سازی عقلی گزاره‌های دینی دارد و در نهایت این جریان را با توجه به تسلط و اقتدار علم گرایی در عصر جدید، سست و ناموفق می‌شمارد:

«هرچند موجه سازی عقلی و علمی سابقه‌ی دیرینه دارد اما در روزگار جدید علم گرایی و توضیحات و توجیحات معتقدات دینی از اهمیت بیشتری برخوردار شد. اگر در گذشته توجیحات پاره‌های دستگاه دینی عمدتاً عقلی بود و آن هم عقل کهن ارسطویی که از طریق منطق صوری و فلسفه یونانی وارد حوزه‌ی فرهنگی و تمدنی مسلمانان شده بود، اما این بار آن نوع عقل گرایی تقریباً سست شده و در مقابل علم گرایی و توجیحات علمی به معنای علم تجربی و طبیعی، محور دانشها و توجیحات همه چیز شده بود. دیگر نه کلام کهن اشعری و حتی معتزلی چندان کارآمد و مؤثر بود و نه فلسفه‌ی یونانی با براهین قیاسی سنتی می‌توانست پاسخی درخور به پرسشهای تازه بدهد.» (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۲۸۶)

با این حال وی پس از ناموفق دانستن پارادایم^۱ عقلگرایی در عقلی سازی دین، به پارادایم علم گرایی در جهت علمی کردن دین اشاره نموده؛ اما آنچه از دیدگاه وی می‌توان فهمید اینکه پارادایم علم گرایی را نیز در علمی کردن دین دارای کاستیهایی می‌داند که در قالب نقد سه لایه‌ای وی به دین علمی می‌توان مشاهده نمود.

در لایه اول اساساً تصور دین علمی را محال میدانند؛ در لایه دوم اثبات پذیری آن را دچار مشکل می‌داند و در لایه سوم تحقق آن را سبب آسیب و خدشه به اصل دین می‌داند.

۱،۳ عدم امکان تصور دین علمی

یوسفی اشکوری در اولین تبیین خود در نقد دین علمی امکان و تصور دین علمی را به چالش می‌کشد؛ به نظر می‌رسد ترکیب وصفی دین علمی از نگاه وی مستلزم تناقض است و برای تبیین ادعای خود به تفاوت ماهیت و ساختار علم و دین اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که دلیل عدم امکان تصور دین علمی تفاوت دین و علم در ناحیه روش و غایت است و تعبیر دین علمی به عنوان حکایتگر نوعی وحدت بین دو ماهیت؛ متناقض است.

«دین اساساً مستند به نقل است و علم مستند به عقل و تجربه و نظریه‌پردازی بر اساس تجارب و مشاهدات مستقیم و غیر مستقیم و این دو نه دنبال غایات واحدی هستند و نه در روش و ابزار معرفت یکی هستند، از اینرو یگانه شمردن آن دو به تناقضات بنیادینی منتهی می‌شود.» (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۲۸۶)

۲,۳ بررسی و نقد

۱,۲,۳ تبیین علم و دین

به نظر می‌رسد رویکرد نویسنده با توجه به دسته‌بندیهای مربوط به رابطه علم و دین در مطالعات فلسفه دین رویکرد تبیین‌است (باربور، ۱۳۷۹: ۱۴۴ و ۱۴۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۱۱ و ۱۱۶) یعنی علم و دین دارای دو حوزه جدا از هم هستند؛ گمان تعارض و ناسازگاری بین علم و دین نیز نادرست است؛ به دلیل اینکه نویسنده اساساً تصور دین علمی را مستلزم تناقض می‌داند؛ اما در تعارض نوعی وحدت بین دین و علم در روش یا غایت وجود دارد که زمینه رقابت را فراهم نموده و در نتیجه اثبات یکی مستلزم نفی دیگری خواهد بود؛ به عبارتی دیگر نقد نویسنده به دین علمی با رویکرد تبیین مربوط به مقام ثبوت و تصور است و حال آنکه رویکرد تعارض مربوط به مقام اثبات است؛ بدین معنا که در رویکرد تعارض می‌توان نوعی وجه مشترک مانند موضوع بین علم و دین تصور نمود؛ اما این رابطه در نهایت منجر به ناسازگاری و نفی یکی توسط دیگر خواهد شد.

از سوی دیگر ممکن است گمان شود که باور نویسنده مکملیت^۱ باشد؛ چراکه وی از موضوع به عنوان وجه تفاوت علم و دین یاد نموده است؛ این گمان نیز نادرست است؛ چرا که در یک تلقی از مکملیت؛ گزاره‌های دینی به منزله فرضیه‌های علمی تلقی می‌شوند و بدین ترتیب علم و دین در قالب یک نگاه جامع‌ترادغام می‌شوند. (پترسون، ۱۳۸۹: ۳۶۹)؛ گرچه تلقی دیگری از مکملیت وجود دارد که معتقد است علم و دین با وجود تفاوت در روش و غایت؛ می‌تواند موضوع واحد داشته باشد بدین معنا که علم عهده‌دار کشف علل پدیده‌ها و دین عهده‌دار کشف معنای آنها باشد؛ گرچه این تلقی در ظاهر مطابق دیدگاه نویسنده است؛ اما در حقیقت بین علم و دین به واسطه موضوع واحد پیوند برقرار شده است و در نتیجه می‌توان گفت دین می‌تواند در سطح علمی قابلیت تبیین داشته باشد و این یعنی همان دین علمی که نویسنده در مقام نقد و رد آن است. (پترسون، ۱۳۸۹: ۳۷۱)

۲,۲,۳ سکولاریسم^۲

ادعای جدایی و تفکیک دین از علم و متناقض‌نما بودن دین علمی از سوی نویسنده را می‌توان نوعی سکولاریسم (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۳) دانست که خود ریشه پیدایش انواع سکولاریسم در حوزه‌های مختلف اجتماعی سیاسی است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۸۹) که در تعریف وی از دین و علم و همچنین به تبع آن در افکار

1 - Complementarity
2 - Secularism

و اندیشه وی در حوزه‌های یاد شده قابل ردیابی است (یوسفی اشکوری، ۱۴۰۰: ۱۳۷) در این نوع سکولاریسم محدود دین امور باطنی و قدسی و یا صرفاً امور فردی است و محدوده علم نیز امور طبیعی و انسانی اجتماعی است و این دو دارای دو ساختار متفاوت و حوزه جدا هستند که دیگری را راهی برای ورود و دخالت نیست؛ ناگفته پیداست که دین حقیقی محدود به عرصه‌های باطنی و قدسی و غیبی نیست و گستره آن موضوعات مختلف انسانی اجتماعی و طبیعی را دربر می‌گیرد و در نتیجه نمی‌توان به صورت مطلق بین دو عرصه دین و علم تفکیک و جدایی قائل شد. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۱)

۳،۲،۳ ناسازگاری دیدگاه نویسنده

نویسنده با وجود نقد به دین علمی و تناقض آمیز دانستن این اصطلاح در بخشی دیگر از مقاله در مقام نقد و بررسی علم دینی به ربط موضوعی بین علم و دین اشاره نموده است، با این توضیح که برخی آیات قرآن به دلیل اینکه مربوط به طبیعت و برخی مربوط به مسایل انسانی اجتماعی اند؛ در چارچوب و ساختار علوم طبیعی و علوم انسانی قرار می‌گیرند و در نتیجه می‌توان از دین علمی سخن گفت؛ اما اعتراف نویسنده به ربط موضوعی بین علم و دین که زمینه پذیرش دین علمی را فراهم می‌کند با ادعای تباین بین علم و دین و تناقض آمیز بودن ترکیب دین علمی سازگار نیست.

« اگر همچنان تقسیم علوم به علوم طبیعی و علوم انسانی و اجتماعی معتبر باشد، می‌توان گفت بخشی از آیات و محتویات قرآن در قلمرو اصطلاحات و مفاهیم علوم مختلف طبیعی قرار می‌گیرند و بخشهایی دیگر نیز در قلمرو علوم انسانی و اجتماعی. آیات مربوط به خلقت به طور کلی و به طور خاص اوصاف و احوال آسمانها (از جمله تعبیر هفت آسمان)، زمین، شب و روز، ستارگان و خورشید و ماه، بعد مادی و طبیعی آدمی، قیامت و... در قلمرو نخست قرار می‌گیرند و موضوعات پرشماری مانند قصص قرآن، افعال و توصیه‌های قرآنی و به ویژه آیات الاحکام در قلمرو علوم انسانی. اما نکته آن است که این هر دو گروه آیات، با دین علمی ربط موضوعی دارند ولی به کلی با علم دینی بیگانه‌اند؛ با این توضیح، در مورد ربط این شمار آیات و مضامین آنها با دین علمی می‌توان گفت ربط از آن بابت است که به هر حال پدیده‌هایی طبیعی در قلمرو خلقت و اوصاف طبیعی و مادی عالم و آدم، در حوزه‌ی علوم طبیعی و تجربی قرار می‌گیرند و قرآن نیز، افزون بر طرح و اشارات مکرر به آنها، برخی اوصاف آنها را بیان کرده است و گفتن ندارد که این امر پیوند علم و دین را آشکار میکند». (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۲۹۸)

یوسفی اشکوری اساس دین را به نقل و پایه علم را به تجربه و مشاهده حسی و مستندات آزمایشی و آماری می‌داند؛ در نتیجه با تفاوت روش‌شناسی بین دین و علم، دین علمی را دارای معنای روشنی نمی‌داند و در نتیجه بین علم و دین تعامل قائل نیست. (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۲۸۶)

در پاسخ وی باید گفت که نقلی بودن دین نیز برای نقد تصور دین علمی کافی نیست؛ چراکه برای بررسی گزاره نقلی باید به دو ویژگی سند و دلالت آن توجه نمود؛ بررسی سند نقل به دلیل انتساب به دین و بررسی دلالت آن به دلیل نوع محتوای معرفتی است؛ گزاره‌های دینی را می‌توان به دو دسته گزاره‌های توصیفی و گزاره‌های انشایی تقسیم می‌نمود؛ گزاره‌های انشایی شامل گزاره‌های فقهی، حقوقی و اخلاقی است؛ در بین گزاره‌های توصیفی افزون بر گزاره‌های مربوط به واقعیت‌های ماورایی و غیبی (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۱۱۹) گزاره‌هایی مربوط به واقعیت‌های طبیعی و اجتماعی نیز وجود دارد؛ به عبارتی دیگر دست‌کم موضوعات اجتماعی و طبیعی دین در قالب نقل قابلیت بررسی و تبیین علمی را دارند؛ بنابراین می‌توان بین علم و دین اجمالاً رابطه و تعامل قایل شد (خسروپناه، ۱۳۸۱: ۱۵۱) که زمینه‌ساز تصور دین علمی است.

وایسین نکته اینکه دین علاوه بر نقل، عقل و تجربه را نیز به رسمیت می‌شناسد؛ همچنانکه در متون دینی به استفاده از عقل و تجربه برای شناخت و معرفت توصیه شده است (ملک / ۲۳، نحل / ۷۸، اعراف / ۱۷۹) بنابراین نمی‌توان به بهانه استناد دین به نقل، آن را در مقابل علم مستند به عقل و تجربه قرار داد. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۱۱۹)

۳,۳ اثبات‌ناپذیری باورهای دینی

۱,۳,۳ اثبات‌ناپذیری عقلی و علمی

یوسفی اشکوری در لایه دوم نقد خود دین علمی را از راه اثبات‌ناپذیری باورهای بنیادین دینی به چالش کشیده است؛ وی بر این باور است که اصول بنیادین دین به لحاظ فلسفی و عقلی نه برهان‌پذیرند و نه قابلیت آزمون‌پذیری تجربی را دارند.

«قطعاً تمام مبانی معرفتی و ایمانی یک مؤمن (اعم از مسلمان و غیرمسلمان) نه با عقل برهانی قابل اثباتند (هرچند عقلایی تفسیر شوند) و نه با معیارهای علوم تجربی و طبیعی آزمون‌پذیرند (مانند خدا و وحی و نبوت و معاد و غیب.» (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۲۸۶)

باور نویسنده مبنی بر اثبات‌ناپذیری عقلی باورهای بنیادین دینی مانند مبداء و معاد و نبوت، نوعی ایمان‌گرایی است (پترسون، ۱۳۸۹: ۷۹) که براساس آن یک ایمان‌گرا برای فهم و گزینش (پترسون، ۱۳۸۹: ۷۲) یک باور از بین باورهای متعدد و گاه متضاد دلیلی برای صدق و ترجیح (پترسون، ۱۳۸۹: ۸۲) و برای دفاع از باور خود در برابر تردیدکنندگان نیز دلیلی برای توجیه نخواهد داشت (پترسون، ۱۳۸۹: ۸۵)؛ در نتیجه برای تعیین باور صادق و کاذب یا باور حق و باطل فاقد معیار معقول بوده و بین باور واقعی و وهمی نیز تمایزی نخواهد گذاشت؛ بنابراین اصل رویکرد ایمان‌گرایی به ویژه در حوزه باورهای بنیادین دینی چندان قابل پذیرش نیست.

۲,۲,۳,۳ نقد دین عقلی به جای دین علمی

با فرض پذیرش رویکرد ایمان‌گرایانه و اثبات‌ناپذیری باورهای بنیادین نیز نمی‌توان دین علمی را نقد یا نفی نمود؛ بلکه فراتر از آن، اساساً رویکرد عقل‌گرایی یا ایمان‌گرایی در حوزه باورهای بنیادین ارتباطی به نقد دین علمی ندارد؛ چون اثبات‌پذیری عقلی و برهانی باورهای بنیادین یا اثبات‌ناپذیری آن ناظر به نقد دین عقلی است و ارتباطی به نقد یا نفی دین علمی ندارد؛ دین عقلی از نگاه نویسنده همان دینی است که توسط گزاره‌های عقلی و برهانی قابل توجیه و تبیین است و به تعبیر نویسنده، تقدم عقل بر نقل و تبیین سنت نقلی بر پایه استدلال‌های عقلی است. (اشکوری، ۱۳۹۴: ۲۸۱) در صورتی که دین علمی از نگاه نویسنده به معنای توجیه و تبیین علمی و تجربی گزاره‌های دینی است، نه توجیه و تبیین عقلی آنها.

۳,۲,۳,۳ عدم انحصار دین در باورهای بنیادین

آزمون‌ناپذیری علمی باورهای بنیادین نیز برای نقد دین علمی ناکافی است؛ با وجود اینکه باورهای بنیادین مانند باور به مبداء و معاد و عالم غیب خارج از دسترس دانش تجربی بوده و آزمون‌پذیر نیست؛ اما دین منحصر در گزاره‌های بنیادین نیست؛ بلکه در دین و متون دینی گزاره‌های مختلف اجتماعی و طبیعی وجود دارد که این گزاره‌ها قابلیت آزمون‌پذیری تجربی دارند که برای صدق دین علمی کافی است؛ همچنان که نویسنده در مقاله خود به وجود چنین گزاره‌هایی اعتراف نموده است و این اعتراف با نقد وی به دین علمی سازگاری ندارد؛ نتیجه اینکه نمی‌توان از اثبات‌ناپذیری تجربی باورهای بنیادین دین اثبات‌ناپذیری دین علمی را نتیجه گرفت.

یوسفی اشکوری از چهره‌های شاخصی چون سرسید احمدخان هندی، رفاعه الطهطاوی، شیخ محمد عبده، آیت‌الله طالقانی، مهندس مهدی بازرگان، یدالله سبحانی، محمد حنیف‌نژاد به عنوان نمایندگان جریان تحقق دین علمی یاد می‌کند که با رویکرد علمی به سراغ متون دینی رفته و تلاش کردند تا به نوعی آیات و روایات را با داده‌های علوم مختلف تفسیر و توجیه کنند؛ وی در مقام نقد و بررسی این دیدگاه و با وجود اشاره به ابعاد مثبت این جریان، مانند توجیه و تبیین نظری باورها و تحکیم عملی سنتهای دینی، مهم‌ترین آسیب دین علمی را در صورت تحقق آن، ضربه به اصل دین می‌داند با این توضیح که ماهیت علم به دلیل تغییر و عدم ثبات آن و نقض نظریات علمی گذشته توسط نظریات علمی جدید با ورود به عرصه دین و تفسیر گزاره‌های دینی سبب تغییر و عدم ثبات دین شده که نتیجه آن آسیب به جامعه دینداران در حوزه باورها و سنتهای عملی خواهد بود؛ بنابراین دین علمی راه خطرناکی است که پیمودن آن سبب انهدام دین خواهد شد (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۲۸۷).

نکته مهم و اساسی در دیدگاه نویسنده عدم تفکیک بین اصل دین از دین علمی و در نتیجه سرایت ویژگی دین علمی به دین است؛ بدین معنا که آنچه را به عنوان دین علمی یعنی تبیین و توجیه علمی گزاره‌های دینی تلقی شده است، عین دین دانسته و در نتیجه تغییرپذیری در سرشت علم و به تبع آن دین علمی را عین تغییر و عدم ثبات در اصل دین دانسته است (نفیسی، ۱۳۹۵: ۱۶۱)؛ در صورتی که سرایت ویژگی علم یا دین علمی به عنوان امری متغیر به اصل دین به عنوان یک امر ثابت نادرست است :

« اما در نهایت توجیه علمی گزاره‌های دینی (به ویژه قرآن با توجه به انتساب مستقیم آن به خداوند علیم حکیم مطلق) بسیار خطیر مینماید و در واقع شمشیر دودمی است که هر دو سوپه‌ی آن کارآمد و بُرنده است و می‌تواند دین علمی را دچار قبض و بسطی ویرانگر کند. ... در این صورت، اگر تفسیری علمی و مستظهر به داده‌های علم امروز، فردا تغییر کرد و کذب از آب در آمد، در آن صورت، چه باید کرد؟ آیا مؤمنان این را می‌پسندند که حرف خدا و کلام وحی خلاف و کاذب درآید؟ آنگاه تکذیب کلام خدا و رسول او، چگونه با ایمان مطلق به او و اعتماد کامل به حکمت ذات باری، سازگار خواهد بود؟ اصولاً کذب و اشتباه پیاپی کلام خدا و رسول (ولو تحت عنوان تفسیر شخصی)، به تدریج دیگر اعتباری برای اصل دعاوی و متن مقدس دینی باقی نمیگذارد» (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۲۸۷)

۱،۱،۲،۴،۳ لوازم عدم تفکیک اصل دین از دین علمی

۱،۱،۲،۴،۳ دگرگونی و گوناگونی در هستی دین

با توجه به اینکه دین علمی بر اساس تعریف نویسنده تبیین و توجیه علمی دین یا گزاره‌های علمی است، وی به امکان کذب و تغییر در گزاره‌های علمی تصریح کرده است؛ عدم تفکیک بین اصل دین و دین علمی به دلیل وجود دگرگونی و گوناگونی تبیین‌های علمی از دین، سبب دگرگونی هستی دین به تعداد تبیینها و امکان کذب اصل دین و گزاره‌های دینی و هم چنین عدم ثبات در اصل دین خواهد شد؛ یعنی همان باوری که نویسنده دچار آن گشته است.

۲،۱،۱،۲،۴،۳ تعطیل فهم دین

یکی از لوازم باور نویسنده مبنی بر خلط بین دین و دین علمی این است که اساسا با این رویکرد نمی توان حکم به جواز تفسیر و تبیین علمی از دین داد؛ ازسوی دیگر ملاکی که نویسنده در عدم جواز تفسیر علمی ارایه داده است گویای این مطلب است که هیچ تبیین دیگری نیز از دین مجاز نیست؛ به دلیل اینکه امکان تغییر در تبیینهای دیگر مانند تبیین فلسفی نیز وجود دارد که بر اساس دیدگاه نویسنده سبب تغییر در اصل دین می شود؛ بنابراین برای حفظ ثبات و پیشگیری از آسیب به دین نباید هیچ فهم و تبیینی از دین صورت گیرد؛ این باور به تعطیل فهم در حوزه دین می انجامد؛ نویسنده در نوشته خود به این تعمیم با ارایه مصداق دیگری همچون دین عقلی اشاره می کند:

« هر حال دین علمی، راه خطرناک و پریچ و خمی است که در نهایت بیشتر به زیان دینداران خواهد بود تا به سودشان. در حوزه‌ی علوم عقلی «دین فلسفی» نیز تا حدودی در معرض چنین مشکلی است و داستان تناقضات و تنشهای آن دو در تاریخ (از جمله در تاریخ اسلام)، داستانی است آشنا». (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۲۸۷)

۲،۲،۴،۳ اعتراف به تفکیک بین اصل دین و دین علمی

با توجه به اینکه مساله خلط بین دین و دین علمی به مساله خلط بین دین و فهم دین برمی گردد؛ اما نویسنده در بخشی دیگر از مقاله به تفکیک اصل دین از فهم و تبیین آن از دو طریق اعتراف می کند:

۱،۲،۲،۴،۳ الهی بودن دین و بشری بودن فهم آن

«می توان با اندکی ساده سازی گفت که دین اسلام با محوریت نبوت محمد و آموزه‌هایی که از قرون نخستین با عناوینی حول اصول و فروع دین شناخته می شوند، تعریف می شود؛ اما می دانیم که تقسیم آموزه‌های دینی به «اصول» و «فروع» از برساخته‌های قرون میانه اسلامی (سوم تا ششم هجری) است و هیچ ارتباط ویژه‌ای با قرآن و سیره و سنت پیامبر و حتی با آموزه‌های اصحاب و خلفای راشدین ندارد؛ برساخته‌های کاملا بشری است و محصول فهم تفاسیر اسلامی متأخر عالمان و مفسران مسلمان؛ به عبارت روشنتر، این صورتبندی تفسیری، جعل

دینی نیست و نمی‌توان آن را به خدا و رسول نسبت داد و در نهایت آن را امری دینی شمرد». (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۲۹۴)

۲،۲،۲،۴،۳ ثبات دین و سیالیت فهم آن

نویسنده در جایی دیگر از مقاله نیز به ثبات موضوع و واقعیت و سیالیت و تغییرپذیری فهم و تفسیر آن اشاره می‌کند که تفکیک اصل دین از دین علمی قابل نتیجه‌گیری است:

«بگذریم که تفسیر علمی نیز به وسیله‌ی یک انسان عالم صورت می‌گیرد و این تفاسیر، موجه و یا ناموجه، در هر حال محصول مفروضات ایمان شخصی و نیز برآمده از دانش و اطلاعات به‌روز یک انسان است و نه علم الهی و از این رو این نوع تفاسیر نه موضوعات علمی را تغییر می‌دهند و نه محتوا و ماهیت علوم را؛ در نهایت، علمی است که یک عالم و دانشمند دینی در رشته‌ای خاص (مثلاً زیست‌شناسی-دکتر سحابی، فیزیک و ریاضی-مهندس بازرگان و...) در قلمرو قرآن‌شناسی تولید کرده و به بازار علم عرضه کرده و طبعاً با معیارهای علمی قابل نقد و داوری اند». (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۴: ۳۰۰)

بنابراین در نگاشته‌های نویسنده دوگانگی مبنی بر خلط بین دین و فهم آن از سویی و اعتراف به تفکیک بین آن دو از سوی دیگر، به صورت آشکار وجود دارد.

۳،۴،۳ شرایط تحقق دین علمی معتبر

دیدگاه یوسفی اشکوری در نقد دین علمی در سه لایه تصور، اثبات‌پذیری و تحقق آن، ناکافی و ناتمام است؛ اما برای تحقق دین علمی افزون بر پذیرش دیدگاه تعامل بین علم و دین و درگام بعد قابلیت تبیین و اثبات‌پذیری علمی گزاره‌های دینی شروط دیگری نیز لازم است.

بهترین مصداق دین علمی را می‌توان در تفسیر علمی قرآن مشاهده نمود؛ تفسیر علمی به چند صورت قابل تصور است:

۱،۳،۴،۳ استخراج تمام علوم از قرآن

اگر هدف از تفسیر گزاره‌های دینی کشف و استخراج تمام علوم باشد؛ نخست اینکه امکان تحقق آن نیست؛ بر فرض تحقق آن، زمینه وجود تاویل‌های نادرست و تحمیل‌های گوناگون بر قرآن خواهد بود که این نوع تفسیر علمی معتبر نیست (اصفهانی، ۱۳۷۵: ۳۷۷) و بر فرض پذیرش اعتبار آن، شکلی از علم دینی خواهد بود نه دین علمی؛ به دلیل اینکه متون دینی منبع تولید و استخراج علوم قرار گرفته است. (حسنی، ۱۳۹۷: ۲۲۷)

۲،۳،۴،۳ تحمیل نظریات علمی بر قرآن

اگر تفسیر علمی سبب تطبیق آیات قرآن با نظریه علمی یا تحمیل نظریه علمی بر قرآن گردد، در این صورت چنین تفسیر علمی نیز نمی‌تواند معتبر باشد؛ چرا که مفسر نظریه‌های علمی را به عنوان اصول مسلم و خدشه‌ناپذیر

در تفسیر قرآن به کارگرفته است (اصفهانی، ۱۳۷۵: ۳۷۷)؛ این نوع تفسیر می‌تواند مصداق دین علمی اما از نوع غیر معتبر باشد.

۳،۳،۴،۳ استخدام علوم در فهم بهتر قرآن

تفسیر علمی با هدف استفاده از علوم برای فهم بهتر قرآن کریم با رعایت شرایط عمومی (اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۲ / ۲۳۲) و اختصاصی تفسیر علمی می‌تواند مصداق دین علمی ممکن، محقق و معتبر باشد؛ شرایط اختصاصی تفسیر علمی بدین قرار است:

الف: عدم استفاده از فرضیه‌های احتمالی علم در فرایند تفسیر؛ چراکه این فرضیه‌ها همواره در معرض تغییر است؛ چنین تفسیری مجاز نیست و در صورت تحقق، صحیح و معتبر نخواهد بود.

ب: استفاده از نظریه‌های پذیرفته شده علم در صورتی که در فرایند تفسیر، انتساب آن نظریه به آیه قرآن احتمالی باشد نه قطعی؛ (اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۲ / ۲۳۳) چنین تفسیری با وجود احتمال خطا می‌تواند معتبر باشد.

ج: استفاده از نظریه‌های علمی قطعی در فرایند تفسیر که در این صورت چنین تفسیری صحیح و معتبر خواهد بود. (اصفهانی، ۱۳۷۵: ۳۸۳)

بنابراین دین علمی در قالب تفسیر علمی با سه شرط مورد پذیرش است:

الف: پذیرش رابطه تعامل علم و دین که امکان دین علمی را فراهم می‌کند.

ب: استخدام علوم در فهم گزاره‌های دینی که زمینه تحقق دین علمی را فراهم می‌کند.

ج: استفاده از نظریه‌های قطعی یا نظریه‌های پذیرفته شده علوم با انتساب احتمالی به دین و متون دینی در فرایند تفسیر که سبب اعتبار دین علمی خواهد شد.

۴. نتیجه

دین علمی به معنای تبیین و تفسیر علمی گزاره‌های دینی که مورد بررسی و نقد یوسفی اشکوری در مقاله «دین علمی و علم دینی» قرار گرفت در سه لایه تصور؛ اثبات و تحقق دین علمی ناتمام است؛ افزون بر اینکه در بخشهایی از مقاله دوگانگی یا تناقض در دیدگاه نویسنده وجود دارد؛ بنابر این دین علمی بر اساس نگرش تعامل بین علم و دین قابل تصور بوده و هم چنین گزاره‌هایی در متون دینی با قابلیت اثبات پذیری یا دست کم قابلیت تبیین علمی وجود دارد، مانند گزاره‌های اجتماعی و طبیعی؛ هم چنین با رعایت شرایط عمومی و اختصاصی تفسیر علمی می‌توان دین علمی ممکن، محقق و معتبر داشت؛ شرایط اختصاصی این گونه است که مفسر با هدف فهم گزاره‌های موجود در متون دینی از نظریات معتبر علمی یعنی نظریه‌های قطعی یا نظریه‌های پذیرفته شده (با قید انتساب احتمالی به دین یا گزاره دینی) استفاده نموده و از به‌کارگیری فرضیه‌های ضعیف و احتمالی علمی در فرایند تفسیر به دلیل عدم اعتبار آن امتناع کند.

منابع

قرآن کریم

- الیاده، میرچا، ۱۳۷۵، دین پژوهی، ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی، ج ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- اخوان نبوی، قاسم، ۱۳۹۹، چپستی دین شناسی علمی، دانشگاه خوارزمی، سال اول، شماره ۱، صص ۲۱۱-۱۸۶، تهران، پژوهشهای مابعد الطبیعی
- اصفهان، محمد علی رضایی، ۱۳۷۵، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم، ج ۱، قم، انتشارات اسوه
- اصفهان، محمد علی رضایی، ۱۳۸۷، منطق تفسیر قرآن، ج ۲، قم، نشر جامعه المصطفی.
- باربور، ایان، ۱۳۷۹، علم و دین، ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- باقری، خسرو، ۱۳۷۴، هویت علم دینی، شماره ۳، صص ۱۸-۶، نشریه: روش شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)
- بهشتی، احمد، ۱۳۸۲، فلسفه دین، قم، انتشارات بوستان قم
- پالس، دانیل، ۱۳۸۵، هفت نظریه درباره دین، ترجمه و نقد: محمد عزیزی بختیاری، قم، نشر انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- پترسون، مایکل، بروس رایشنباخ، ویلیام هاسکر، دیوید بازیجر، ۱۳۸۹، عقل و اعتقاد دینی، درآمدی بر فلسفه دین، ترجمه: احمد نراقی، ابراهیم سلطانی، تهران، انتشارات طرح نور.
- جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۸۱، نسبت دین و دنیا، بررسی و نقد نظریه سکولاریسم، قم، مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، نشر اسراء.
- چالمرز، آلان اف، ۱۳۹۴، چپستی علم، درآمدی بر مکاتب علم شناسی فلسفی، ترجمه: سعید زیبا کلام؛ ج ۱۵، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- حسینی؛ سید حمید رضا، مهدی علی پور، سید محمد تقی موحد ابطحی، ۱۳۹۷، علم دینی دیدگاهها و ملاحظات، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خاکی قراملکی، محمد رضا، ۱۳۹۷، دین و ایدئولوژی در فرایند ظهور و سقوط مدرنیته، قم، انتشارات تمدن نوین اسلامی
- خسرو پناه، عبدالحسین، ۱۳۸۱، کلام جدید، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمی.
- خسرو پناه، عبدالحسین، ۱۳۹۰، کلام جدید با رویکرد اسلامی، قم؛ نشر معارف.
- ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۸۱، تحلیل و نقد سکولاریسم، شماره ۳۶، قم، فصلنامه پیام حوزه
- الطباطبائی، السید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، انتشارات اسماعیلیان.
- مجمع عالی حکمت اسلامی، ۱۳۹۳، علم دینی، دیدگاهها و تحلیلهای، قم انتشارات حکمت اسلامی.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۲، رابطه علم و دین، تحقیق و نگارش: علی مصباح قم؛ انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- میرباقری، سید مهدی، ۱۳۹۶، نسبت دین با علم و فن آوری، قم، نشر تمدن نوین اسلامی.
- نظریان، رضا، یونس نوربخش، ۱۴۰۱، نسبت علم و دین در ایران پس از انقلاب؛ داوری جامعه شناختی روایتها، شماره ۱، صص ۵۴-۳۱، دوفصلنامه دین و دنیای معاصر.
- نفیسی، شادی، ۱۳۹۵، مبانی اختصاصی تفسیر علمی از قرآن کریم، شماره ۹، صص ۱۶۸-۱۴۹، دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن
- یوسفی اشکوری، حسن، ۱۴۰۰، دین و قدرت، گذری شتابان از فراز چپاده قرن، www.zeitoons.com
- یوسفی اشکوری، حسن، ۱۳۹۴، دین علمی و علم دینی، ش ۱، صص ۳۱۳-۲۷۹، نشریه آزادی اندیشه